

عاملان جامعه‌پذیری و گرایش به رفتارهای پرخطر با تأکید بر نظریه یادگیری اجتماعی

(مورد مطالعه شهروندان کاشان)

محسن نیازی* ، محمد سلیمان نژاد** ، طاهره سلیمان نژاد***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳

چکیده

خانواده اصلی‌ترین عامل جامعه‌پذیری در هر جامعه‌ای است. با بزرگ‌تر شدن فرزندان، نقش همسالان پررنگ‌تر می‌شود و در کنار این دو عامل مهم رسانه و عاملان دینی زمینه جامعه‌پذیری افراد را فراهم می‌نمایند. این پژوهش با هدف بررسی نقش عاملان جامعه‌پذیری و گرایش به رفتارهای پرخطر در بین شهروندان کاشانی بر مبنای رویکرد نظریه یادگیری اجتماعی انجام شده است. روش تحقیق به کاررفته در پژوهش حاضر پیمایشی بوده و نمونه آماری پژوهش تعداد ۵۵۲ نفر از شهروندان شهر کاشان بر اساس فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم به‌عنوان نمونه نهایی انتخاب گردیدند. پایایی پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ و اعتبار آن بر اساس نظرات افراد متخصص دانشگاهی صورت گرفته است. برای تحلیل استنباطی و سنجش ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و آزمون T مقایسه زوجی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS25 استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این بوده است که گرایش شهروندان به رفتارهای پرخطر در حد متوسط بوده و پسران بیشتر از دختران به رفتارهای پرخطر تمایل داشته‌اند. همچنین نتایج آزمون فرضیات بین عاملان جامعه‌پذیری شامل عامل خانوادگی، پیوند با همسالان و اثرپذیری رسانه‌ای با بروز رفتارهای پرخطر معنی‌دار و مثبت بوده و متغیرهای سن و دینداری رابطه معنی‌دار و معکوس داشته‌اند و در نهایت متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی با رفتارهای پرخطر رابطه‌ای نداشته است. همچنین بر اساس نتایج رگرسیون، متغیرهای مستقل در مجموع ۳۳ درصد از تغییرات متغیر رفتارهای پرخطر را تبیین کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: رفتارهای پرخطر، جامعه‌پذیری، خانواده، همسالان، رسانه، دینداری.

niazim@kashanu.ac

msdt59@yahoo.com

rsdt70@yahoo.com

* استاد علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

** دکتری جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه فرهنگیان. تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

*** کارشناس ارزیابی مراکز تحقیقاتی دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران.

بیان مسئله

امروزه رفتارهای پرخطر در بین شهروندان، باعث تهدید سلامتی و مخاطراتی برای آینده آنها شده است، شیوع این رفتارها یک مسئله کلی و همه گیر است که پیامدهای آن در همه عرصه‌های زندگی، همراه با اثرات منفی و نگران کننده‌ای می‌باشد. گرایش به رفتارهای پرخطر تحت تأثیر عوامل مختلف فردی، اجتماعی، ساختاری و غیره است، که بررسی نقش عواملان جامعه‌پذیری با توجه به نقشی که در فرایند اجتماعی شدن افراد دارند، از اهمیت بیش تری برخوردار است. آسیب‌های اجتماعی و رفتاری، هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت سلامتی شهروندان را در معرض خطر قرار داده و این اثرات منفی را با شدت بیشتری به دوره‌های بعدی زندگی انتقال می‌دهند (Crosby et al, 2009: 4).

جوانی ساخت جمعیت و ناکارآمدی عواملان جامعه‌پذیری^۱ در جامعه در حال گذار ایران، در افزایش آمار آسیب‌های اجتماعی نقش اساسی داشته است. بر اثر این کم کاری‌ها، شهروندانی در عرصه اجتماع حضور می‌یابند، که به سمت رفتارهای پرخطر گرایش بیشتری داشته و توانایی سامان دادن به زندگی خود ندارند (جعفری، ۱۳۸۹: ۵). این نوع از سبک زندگی پرخطر که در بین گروه‌های مختلف سنی دیده می‌شود، زمینه‌ساز مسائل اجتماعی گوناگونی می‌شود و پیامدهای ناگواری را در لایه‌های مختلف جامعه بر جای می‌گذارد.

گسترش ناهنجاری‌های رفتاری و عدم توجه به هنجارها، قواعد، ارزش‌ها و نادیده گرفتن حقوق شهروندان، نشانه عدم کارایی نهادهای جامعه‌پذیری است. زمینه و شروع ارتکاب رفتارهای پرخطر^۲ و بزهکارانه از دوره‌های نوجوانی و در مدارس راهنمایی و دبیرستان شکل می‌گیرد. ناکامی‌های این دوره سنی همراه با مشکلات زندگی و بحران‌های ارتباطی و اجتماعی با خانواده، همسالان و محیط، شکست تحصیلی و غیره شیوع رفتارهای پرخطر را در دوره‌های سنی بعدی شدت می‌بخشد (زاده‌محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۸:

1. Socialization
2. Risky behaviors

(۴۷۰). بنابراین همه نسل‌های سنی و قشرهای اجتماعی در معرض رفتارهای پرخطر قرار دارند.

مطالعات مختلف علمی بر نقش منابع اصلی نظیر خانواده و همسالان در گرایش به رفتارهای پرخطر تأکید داشته‌اند. همچنین این تصور که رفتارهای پرخطر نوجوانان تحت تأثیر شرایط اجتماعی قرار دارد، به‌طور گسترده در مجامع عمومی از نظر علمی پذیرفته شده است. تحقیقات تجربی حاکی از این است که بیشتر افراد تحت تأثیر همسالان در رفتارهای پرخطر شرکت می‌کنند. (Lloyd & Anthony, 2003) هیمر در رابطه با همسالان (Heimer, 1997) معتقد است پدر و مادری که از نظم و انضباط سخت‌گیرانه‌تری استفاده می‌کنند، فرزندان آن‌ها دوستان بی‌قیدوبندی انتخاب می‌کنند، که رفتارهای خشونت‌آمیز را بیشتر آموزش می‌دهند و تقویت می‌کنند (Alshammari, 2017: 23).

تأثیرگذاری گروه همسالان، به‌خصوص در دوره نوجوانی، حتی از والدین هم بیشتر است. گروه همسالان با جاذبه و نفوذی که در روابط اجتماعی برقرار می‌نمایند، افکار، احساسات و رفتار نوجوانان را در جهات مثبت و منفی شکل می‌دهند (پرویزی و احمدی، ۱۳۸۵: ۴۸). برخی تحقیقات نیز نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی و اجتماعی^۱ خانواده تأثیر مستقیمی بر بزهکاری جوانان دارد (Rekker et al, 2015). همچنین تحقیقات نشان می‌دهند دل‌بستگی والدین و به‌خصوص دل‌بستگی مادرانه، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رفتار بزهکاری^۲ است (Leiber et al, 2015). بدین معنی فرزندان^۱ که دل‌بستگی به والدین و خانواده داشته و به هر دوی والدین کاملاً دل‌بسته هستند، احتمال ارتکاب اعمال بزهکارانه کمتری دارند.

نظارت والدین توسط بیشتر محققان به‌عنوان مکانیسم کنترل رفتاری بر فرزندان تعریف شده است که به‌طور خاص مدیریت فعالیت‌ها را به‌منظور تنظیم رفتار و ارائه راهنمایی برای رفتارهای قانونی انجام می‌دهد. برای تحقق این امر لازم است والدین

1. Economic and social status
2. Delinquent behavior

شناختی از محل رفت و آمد فرزندان، آگاهی از دوستان و آشنایان آن‌ها و نحوه گذراندن اوقات فراغت فرزندان داشته باشند. تحقیقات تجربی طی سال‌های گذشته نشان داده است؛ والدینی که فاقد آگاهی از محل زندگی، فعالیت‌ها و مراودات فرزندان خود هستند، فرزندانشان بیشتر درگیر رفتارهای پرخطر به همراه بزهکاران می‌شوند (Alshammari, 2017: 12). امروزه محل شکل‌گیری رفتارها و تعاملات اجتماعی انسان‌ها از مکان‌های واقعی و حضوری که در گذشته حاکم بود، به فضای مجازی منتقل شده است.

این بستر پتانسیل و ظرفیت‌های بی‌شماری برای انسان‌ها به دنبال داشته است. با توجه به امکانات و دسترسی‌های فراوانی که این رسانه‌ها از جمله اینترنت در اختیار نوجوانان و جوانان گذاشته است، بنابراین با دسترسی کامل با انواع محرک‌های جدید و رفتارهای گوناگون مواجه می‌شوند (عاملی و حسنی، ۱۳۹۱: ۱). و از طرفی دیگر از طریق ارتباط با دیگران و حضور در شبکه‌های اجتماعی، افراد می‌توانند به احساس تعلق به دیگران دست یابند و از طریق این استراتژی بر بسیاری از مشکلات غلبه یابند، که نظریه یادگیری اجتماعی^۱ نیز از این فرآیند پشتیبانی می‌کند (Brazill-Murray, 2018: 2).

کاشان، پس از اصفهان دومین شهر از نظر شاخص‌های جمعیتی و دارای برجستگی‌های مهمی نظیر فرصت‌های اقتصادی و موقعیت ارتباطی است. کاشان شهری با پیشینه بزرگ تاریخی و باستانی است که روند شهرنشینی و مهاجرت، تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی فراوانی بر این شهر سنتی تحمیل کرده است. بنابراین بررسی و تحلیل رفتارهای پرخطر و پیامدهای ناشی از آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است، چون گرایش به این رفتارها، پیامدهای منفی فراوانی در حوزه سلامت و بهداشت و در سطوح مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی به دنبال دارد. هدف این پژوهش بررسی نقش هر یک از عوامل جامعه‌پذیری در میزان گرایش به رفتارهای پرخطر در بین شهروندان کاشانی است که بر مبنای رویکرد نظریه یادگیری اجتماعی قصد تبیین موضوع را دارد.

بنابراین سؤالات اصلی پژوهش حاضر در مرحله اول این است که وضعیت گرایش به پرشیوع ترین رفتارهای پرخطر (استفاده از سیگار^۱، قلیان^۲، مشروبات الکلی^۳، مواد مخدر، خودکشی^۴ و افکار خودکشی، رفتار پرخطر جنسی^۵، رانندگی پرخطر^۶، رفتارهای ضداجتماعی (خشونت^۷، سرقت و غیره)، عادات غذایی ناسالم^۸، عدم تحرک بدنی^۹ و غیره) در چه سطحی است؟ نقش هر یک از عاملان جامعه‌پذیری؛ خانواده، همسالان، رسانه و نهاد دین در زمینه گرایش به این رفتارها چگونه است؟

پیشینه تجربی

در این بخش، تحقیقات تجربی انجام شده در خصوص نقش عاملان جامعه‌پذیری که با موضوع رفتارهای پرخطر مرتبط هستند، ارائه می‌گردد.

سعادت^{۱۳۹۹} در پژوهشی با عنوان مطالعه جامعه‌شناختی نقش فرایند اجتماعی در تبیین رفتارهای پرخطر در بین جوانان کلان‌شهر تبریز به شیوه پیمایشی انجام داده است. یافته‌ها نشان داده است که همبستگی بین متغیرهای کنترل اجتماعی، جامعه‌پذیری، شکاف نسلی و همنشینی افتراقی با رفتارهای مخاطره‌آمیز از نظر آماری معنادار بوده است.

بخشش بروجنی و همکاران^{۱۳۹۸} در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی رفتارهای پرخطر بر اساس همنشینی با همسالان بزهکار، افسردگی و حل مسئله در بین ۱۳۰ نفر از دانش‌آموزان شهر بروجن انجام داده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن بوده است که همنشینی با همسالان بزهکار در گرایش به رفتارهای پرخطر مصرف سیگار، قلیان، مواد روان‌گردان و خودکشی تأثیر مستقیم داشته است.

1. Smoking
2. Hookah
3. Alcohol
4. Suicide
5. Risky sexual behavior
6. Risky driving
7. Violence
8. Unhealthy eating habits
9. Physical inactivity

نیازی و سلیمان نژاد (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان زمینه‌های گرایش به رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان و جوانان شهر کاشان به روش کیفی و با رویکرد گراندد تئوری در شهر کاشان انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داده‌اند که زمینه خانوادگی، احساس تنهایی، شرایط محیطی آسیب‌زا، چالش اقتصادی و میل به لذت طلبی، گسست روابط بین فامیلی، احساس بی‌عدالتی، کژکارکردی نهادی، اثرپذیری رسانه‌ای، باورهای نادرست و چشم‌وهمچشمی در شکل‌گیری رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان و جوانان نقش داشته‌اند.

محمودی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع «بررسی نقش عوامل اجتماعی در گرایش به رفتارهای پرخطر در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی» با هدف شناخت عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتارهای پرخطر به روش کمی و پیمایشی از بین جامعه آماری ۱۴۴۲۷ نفر (دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد) به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای - نسبی تعداد ۳۷۴ نفر به‌عنوان نمونه نهایی انجام داده است. محقق برای چارچوب نظری پژوهش، تلفیقی از نظریات پیوند اجتماعی هیرشی، همنشینی افتراقی ساترلند و یادگیری اجتماعی بندورا استفاده نموده است. نتایج نشان داده است: میانگین تمایل به رفتارهای پرخطر در بین دانشجویان حدود ۹۳ درصد بوده است. در این پژوهش محقق به این نتیجه رسیده است که بین متغیرهای تعهد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پیوند با همسالان، پیوند خانوادگی، پایبندی به اصول اخلاقی و ارزش‌های جامعه و استفاده از فضای مجازی با تمایل به رفتارهای پرخطر رابطه معنادار برقرار بوده است. بین سن و دل‌بستگی به دوستان با گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود نداشته است.

آتش نفس و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی کیفی با عنوان رفتارهای پرخطر شایع و عوامل خانوادگی مؤثر بر آن از دیدگاه نوجوانان شهر سمنان به روش کیفی تحلیل محتوایی با نمونه‌گیری هدفمند در بین ۹۸ دانش‌آموز دختر و پسر انجام داده‌اند. در این پژوهش علاوه بر معرفی رفتارهای پرخطر، مهم‌ترین عوامل گرایش به این رفتارها، مربوط به شیوه‌های فرزند پروری والدین و فضای روانی موجود در خانواده بوده است. محققین در

پایان به این نتیجه دست‌یافته‌اند که آگاهی جامع والدین با روش‌های صحیح فرزند پروری می‌تواند در کاهش معضلات اجتماعی مفید باشد.

رحمتی نجار کلانی و همکاران (۱۳۹۰) در یک مطالعه کیفی با عنوان خانواده و نقش آن در بروز رفتارهای پرخطر ایدز به روش تحلیل درون‌مایه‌ای و از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته به روش نمونه‌گیری هدفمند با بیماران ۲۱ تا ۴۲ ساله در شهر تهران انجام داده‌اند. درون‌مایه‌های استخراج‌شده در این مقاله شامل ساختار آسیب‌زای خانواده و هنجارهای خانوادگی مخاطره‌زا بوده‌اند. نتایج یافته‌ها نشان داده‌اند که ضعف حمایتی و عدم حمایت کافی از طرف خانواده علت اصلی گرایش به رفتار پرخطر بوده است. همچنین محققین راه‌حل کاهش رفتار پرخطر ایدز را در افزایش حمایت خانواده از نوجوانان و مداخلات خانواده محور معرفی نموده است.

در پژوهش داسپی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی به «رفتارهای مخاطره‌آمیز همسالان جوان: اثر محافظتی نمایش غیرکلامی و صمیمیت والدین» پرداخته است. محققان در این مطالعه در پی بررسی آن هستند؛ آیا نمایش‌های غیرکلامی از صمیمیت والدین در طی یک بحث، ارتباط بین وابستگی با همسالان منحرف و رفتارهای پرخطر را کاهش می‌دهد؟ بدین منظور نمونه‌ای از ۱۰۷ نفر جوان و والدین آن‌ها که در مورد یک مسئله جنجالی بحث می‌کردند و همچنین صمیمیت غیرکلامی والدین، مورد کدگذاری قرار گرفتند. نتایج حاکی از این بود که صمیمیت پدران هر ارتباط احتمالی بین همسالان منحرف و رفتارهای پرخطر را تعدیل می‌کرد، اما صمیمیت مادران به‌عنوان یک تعدیل‌کننده مهم ظاهر نشد. به‌ویژه دختران از صمیمیت پدران به‌عنوان یک عامل مهارکننده در مسیر رفتارهای پرخطر همسالان منحرف بهره‌مند می‌شدند.

نتایج پژوهش اگباریا و همکاران (۲۰۱۷) با عنوان حمایت اجتماعی، خودکنترلی، دین‌داری و مشارکت در رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان فلسطینی نشان داده است که

1. Daspe

برخورداری از سطوح بالاتر در دین‌داری با سطح پایین‌تر نوشیدن مشروبات، مصرف مواد مخدر و فعالیت جنسی زودرس ارتباط دارد.

وزینا و همکاران^۱ (۲۰۱۵) تحقیقی را با عنوان «تجربه خشونت خانوادگی، مشکلات رفتاری دوره کودکی و رفتارهای پرخطر نوجوانان به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده الگوهای دختران قربانی مورد تجاوز در دو دوره رشد» با تکنیک پیمایش و به‌کارگیری پرسشنامه با نمونه ۴۴۳ نفر از زنان در دو دوره رشد نوجوانی و اوایل بزرگسالی با مطالعه طولی به انجام رسانده است. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که تجربه خشونت در خانواده، جامعه‌پذیری نامناسب، سطح پایین درک والدین، نظارت پایین والدین، وجود تنش و اختلافات خانوادگی، وجود همسالان ناباب و منحرف و رفتارهای مخاطره‌آمیز تأثیر معناداری بر صدمات روانی، فیزیکی و جنسی دختران در دوره نوجوانی و اوایل بزرگسالی یا هر دو دوره رشد داشته است. همچنین، عوامل خانوادگی مذکور و وجود همسالان منحرف تأثیر معناداری بر بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز نمونه مورد مطالعه (رانندگی در حال مستی، ورزش در حال مستی، مصرف سیگار، مصرف الکل، مصرف دارو و بزهکاری) داشته است.

جائو و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر تعدیل‌کننده عملکرد خانواده بر رابطه بین وابستگی به همسالان منحرف و بزهکاری در نوجوانان چینی دریافتند که خانواده و همین‌طور گروه همسالان بزهکار، می‌توانند تأثیر قابل‌توجهی بر بزهکاری داشته باشند، به‌طوری‌که گروه همسالان بزهکار تأثیری مثبت بر افزایش بزهکاری دارد، اما خانواده در کاهش تأثیر گروه همسالان بزهکار، ایفای نقش می‌کند، و بر کاهش بزهکاری تأثیر مثبت دارد.

لسلی و همکاران^۲ (۲۰۱۰) طی پژوهشی با عنوان «رفتارهای پرخطر مرتبط با سلامتی نوجوانان در سیستم رفاهی کودکان» با تکنیک پیمایش و به‌کارگیری پرسشنامه به انجام

1. Vézina & et al
2. Leslie et al

رسانده است، در این پژوهش میزان و الگوهای رفتارهای پرخطر مانند رفتار جنسی، افسردگی، خودکشی، مصرف مواد و بزهکاری را در نظام رفاهی و خدمات حفاظتی کودکان، مورد بررسی قرار دادند. تحلیل داده‌ها بر مبنای اطلاعات مراقبان، مددکاران، مصاحبه و همچنین ارزیابی داده‌های به دست آمده از نمونه ۹۹۳ نفری در قالب پیمایش ملی رفاه یا بهزیستی کودکان و نوجوانان صورت گرفت. نتایج حاکی از آن بود که تقریباً نیمی از پاسخگویان (۴۶/۳ درصد) حداقل یک‌بار رفتارهای پرخطر را تجربه کرده بودند. در تحلیل رگرسیونی نیز، متغیرهای سن، جنسیت، سابقه رفتار انحرافی در خانواده، همسالان منحرف، نظارت کمتر والدین و تعهد پایین به مدرسه تأثیر معناداری بر بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز مرتبط با سلامت داشته‌اند.

نتایج تحقیق انیل (۲۰۰۷) با عنوان «تفاوت رفتارهای پرخطر مرتبط با سلامتی بین دانشجویان تازه وارد و دانشجویان سال بالایی» به شیوه پیمایش و با ابزار پرسشنامه و در بین ۵۷۷ نفر از دانشجویان تازه وارد و سال بالایی و قدیمی، نشان داد که، دانشجویان ورودی‌های جدید در رفتارهایی چون مصرف الکل، فعالیت ورزشی و تغذیه ریسک‌پذیرتر از سایر دانشجویان بودند، همچنین دانشجویان سال بالایی در رفتارهایی چون مصرف مواد، خشونت و رفتارهای جنسی از دانشجویان ورودی‌های جدید ریسک‌پذیرتر بوده‌اند که عواملی چون جامعه‌پذیری نامناسب در خانواده، دوستان ناباب، درآمد خانواده، اختلاف و شکاف بین انتظارات والدین و جوانان بر بروز رفتارهای پرخطر معنادار بوده است.

رافائل و گرین^۱ (۲۰۰۵) در تحقیقی تحت عنوان «سرمایه اقتصادی خانواده به عنوان عاملی تعیین‌کننده در رفتارهای مخاطره‌آمیز جوانان» با تکنیک پیمایش و به کارگیری پرسشنامه به انجام رسانده است. نتایج نشان داده‌اند که سرمایه اقتصادی خانواده رابطه منفی و معکوسی با هم وقوعی رفتارهای پرخطر مصرف الکل، مصرف سیگار، مصرف مواد مخدر و رابطه جنسی پرخطر داشته است. به طوری که جوانان متعلق به خانواده‌هایی که از

سرمایه اقتصادی کمتری برخوردارند بیشتر از سایر خانواده‌ها درگیر رفتارهای پرخطر می‌شوند. از نتایج دیگر اینکه رفتارهای پرخطر جوانان متأثر از همسالان بزهکار نیز می‌باشد.

استیونس و گریفین^۱ (۲۰۰۱) پژوهشی با عنوان «رفتارهای پرخطر جوانان: پیمایش و نتایج» با تکنیک پیمایش و به‌کارگیری پرسشنامه در بین ۶۷۴ نفر از مدارس متوسطه دختر و پسر به انجام رسانده‌اند. نتایج حاکی از آن است که تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر به تفکیک جنس و گروه سنی معنادار بوده و میانگین رفتارهایی چون حمل اسلحه، درگیری فیزیکی و خشونت، رفتار جنسی، مصرف الکل، مصرف سیگار، مصرف سایر مواد، در بین پسران بیشتر از دختران بوده و تنها در مورد تمایل و اقدام به خودکشی این میانگین بیشتر از پسران برآورد شده است. همچنین همبستگی معناداری بین عوامل خانوادگی (کنترل والدین، تعامل با والدین، نوع جامعه‌پذیری و سبک فرزندپروری، درآمد خانوادگی، ساختار خانواده) و عوامل محیطی (کنترل اجتماعی، تأثیر همسالان بزهکار) با بروز رفتارهای پرخطر حاصل آمد.

در جمع‌بندی پیشینه تحقیق این‌گونه استنباط می‌شود که موضوع رفتارهای پرخطر در رشته‌های علمی (نظیر مددکاری اجتماعی، جامعه‌شناسی، بهداشت، روان‌شناسی و غیره) به آن پرداخته می‌شود و به‌عنوان یکی از مسئله‌های مهم و اساسی در پژوهش‌های اجتماعی در مجامع علمی و دانشگاهی مورد توجه جدی قرار گرفته است. به علت اهمیت این موضوع و پیامدهایی که به دنبال دارد تحقیقات داخلی و خارجی متعددی در رابطه با پدیده رفتارهای پرخطر انجام شده است. در این تحقیقات بیشتر به میزان شیوع رفتارهای پرخطر تأکید گردیده و کمتر به عوامل به وجود آورنده آن‌ها توجه شده است.

در بررسی پیشینه‌های تجربی تحقیقات انجام‌شده، تنها یکی از ابعاد آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر مانند مصرف مشروبات الکلی، مصرف سیگار، خودکشی و غیره به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین در پژوهش‌های انجام‌شده با

1. Stevens & Griffin

موضوع رفتارهای پرخطر، نقش همه عاملان جامعه‌پذیری با هم مورد بررسی قرار نگرفته و بیشتر از دیدگاه علوم پزشکی و روان‌شناختی به موضوع رفتارهای پرخطر پرداخته‌اند. بنابراین در این پژوهش سعی شده است علاوه بر ارزیابی وضعیت رفتارهای پرخطر، نقش همه عاملان جامعه‌پذیری در گرایش به رفتارهای پرخطر دیده شود.

مبانی نظری

یکی از کاربردی‌ترین نظریه‌ها در حوزه آسیب‌های اجتماعی، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی است این نظریه نشان می‌دهد که محیط‌های فیزیکی و اجتماعی یک فرد بر شیوه رفتار انتخابی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. اگر فردی در معرض جرم یا خشونت قرار بگیرد، احتمال بیشتری دارد آن فرد در رفتارهای مجرمانه مشارکت نماید. رسانه‌ها نقش اساسی در تشویق افراد به ارتکاب جرم دارند، زیرا رسانه‌های مجرمانه فرهنگی برای رفتارها را نهادینه می‌نمایند (Tobin, 2016: 17-18). نظریه بی‌سازمانی اجتماعی به این امر مربوط است که اجزای یک کل بر مبنای هماهنگی و نظم خاصی با همدیگر در تعامل هستند. اما حالت بی‌سازمانی اجتماعی مربوط به وضعیتی است که در آن اجزای مختلف یک مجموعه و سازمان، نظم منطقی با یکدیگر را از دست داده و از مجموعه کل مجزا می‌شوند (حسینی نثار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۵۸).

بنابراین بی‌سازمانی اجتماعی مربوط به وضعیت عدم توفیق مقررات است. سه نوع عمده بی‌سازمانی وجود دارند که عبارت‌اند از: ستیز فرهنگی، آنومی و اختلال. در وضعیت آنومی؛ مقرراتی که شیوه رفتار افراد را مشخص نمایند، از بین رفته‌اند. در وضعیت ستیز فرهنگی؛ مقررات حاکم بر شیوه رفتار افراد متفاوت گشته، در این حالت، کنشگران به مجموعه‌ای از مقررات پایبند هستند، در حالی که از دیگر قواعد نظام‌مند سرپیچی می‌کنند. اختلال مربوط به نوعی دیگر از بی‌سازمانی می‌باشد و هنگامی اتفاق می‌افتد که قواعد موجود، هم‌نوايي با ارزش‌ها را برآورده نمی‌کنند و یا اینکه موجب تنبیه می‌گردند. بنابراین

علت اصلی بی‌سازمانی اجتماعی مربوط به تغییرات اجتماعی می‌باشد. هر زمانی که یک نظام اجتماعی با تغییراتی مواجه شود، انسجام بین قسمت‌های مختلف نظام اجتماعی دچار فروپاشی می‌گردد (Robbington & Weinberg, 2013: 51).

در نظریه محیطی - اجتماعی ساختارها و کنشگرانی که در عرصه خانواده و اجتماع با آنها تعامل برقرار می‌شود مانند والدین، گروه‌های دوستی و همسالان، ساختار خانواده و محیط‌های تفریحی و محل سکونت در گسترش رفتارهای پرخطر تأثیر دارند. بر اساس این نظریه، والدین و اعضای خانواده بیشترین تأثیر در گسترش رفتارهای پرخطر بخصوص برای فرزندان خود دارند. مشاهده رفتارهای پرخطر والدین و تقلید از آنها نیز یکی دیگر از راه‌های اصلی شیوع این‌گونه رفتارها می‌باشد. چنانچه محیط خانواده مبتنی بر روابط صمیمی، حمایت‌کننده و محبت‌آمیز باشد، در این وضعیت گرایش به سمت رفتارهای پرخطر به حداقل ممکن می‌رسد. اما چنانچه محیط خانواده پرتنش و همواره محلی برای اختلافات خانوادگی باشد، افزایش رفتارهای پرخطر در بین فرزندان به امری عادی تبدیل می‌شود.

بنابراین بر مبنای مناسبات و کیفیت رابطه بین والدین و فرزندان، نقش والدین در شیوع رفتارهای پرخطری که فرزندان مرتکب می‌شوند، تعدیل می‌گردد. همچنین بر مبنای نظریه محیطی - اجتماعی، با افزایش سن و استقلال نوجوانان از خانواده، نوبت به تأثیر دوستان و نقش آن‌ها در شکل‌دهی به رفتار و سبک‌های هویتی نوجوان پررنگ‌تر می‌گردد. همچنین نقش دیگر نهادهای جامعه‌پذیری مانند رسانه‌ها، اوقات فراغت و مراکز تفریحی و غیره نیز در میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر تعیین‌کننده است (Sales & Irwin, 2009: 39).

تبیین کنترل اجتماعی از بزهکاری، در نظریه پیوند اجتماعی تراویس هیرشی^۱ در کتاب بسیار مهم *علل بزهکاری* در سال ۱۹۶۹ بیان شده است. وی تصور می‌کند که همه افراد نقض‌کننده بالقوه قانون هستند، اما وقتی تحت کنترل قرار می‌گیرند دچار ترس

1. Travis Hirschi

می‌شوند؛ زیرا متوجه می‌شوند که رفتار غیرقانونی به روابط آن‌ها با دوستان، والدین، همسایگان، معلمان و کارفرمایان آسیب می‌رساند. نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی معتقدند که افراد از هنجارها و قوانین پیروی می‌کنند چون کنترل‌های مربوط به اجتماع، مانع از ارتکاب جرائم می‌شوند (Alshammari, 2017: 32).

بنابراین هیرشی علل کج‌روی را مربوط به فقدان هرگونه کنترل اجتماعی در نظر گرفته و معتقد است؛ افرادی که دارای انسجام و پیوند مستحکمی با جامعه هستند، از قواعد و معیارهای جامعه به بهترین شکل ممکن پیروی می‌نمایند و افرادی که با هنجارهای جامعه بیگانه هستند بیشتر به سمت رفتارهای کجروانه گرایش دارند. هنگامی که برای تبیین گرایش به رفتارهای پرخطر، تأکید بر عوامل اجتماعی و روند جامعه‌پذیری باشد، نظریه یادگیری اجتماعی قدرت تبیینی بیشتری دارد، از این رو در ادامه این نظریه تشریح گردیده است.

نظریه یادگیری اجتماعی به‌عنوان تئوری منطقی‌ای برای تبیین طیف کاملی از رفتارهای بزهکارانه و پرخطر ارائه شده است. بر مبنای این تئوری رفتارهای مجرمانه به همان روشی که دیگر گونه‌های رفتار انسانی کسب می‌شود، آموخته می‌شود. نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی، که مهم‌ترین آن‌ها آلبرت باندورا است، معتقدند که افراد در طول تجربیات زندگی رفتارهای پرخطر را یاد می‌گیرند (Siegel, 2012: 161). بر طبق نظریه‌های یادگیری اجتماعی، انحراف امری آموختنی و رفتاری اکتسابی است (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۶: ۴۱).

تئوری یادگیری اجتماعی بر این نکته تأکید می‌کند که افراد هنگام مواجهه با نگرش‌هایی که نقض قانون را توجیه و تشویق می‌نمایند، به سمت رفتارهای بزهکارانه متمایل می‌شوند (Ingram, 2007: 382). همچنین این تئوری معتقد است که افراد رفتارهای پرخطر را در بافت فرهنگی و اجتماعی که در آن زیست می‌کنند می‌آموزند. در

تئوری یادگیری ارتکاب رفتارهای پرخطر، به خاطر موانع ایجابی در یادگیری نظیر توانایی‌های اجتماعی و شناختی است. بدون این توانایی‌ها، نوجوانان درگیر رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی می‌شوند (Siegel, 2015).

بر اساس تئوری یادگیری اجتماعی افراد در متن جامعه رفتارها را یاد می‌گیرند. در این نوع از یادگیری اجتماعی با استفاده از فناوری‌های رایانه‌ای امکان به اشتراک گذاری ایده‌ها فراهم می‌گردد و از طریق انجمن‌ها و شبکه‌های مجازی گسترش می‌یابد (Brazill-Murray, 2018: 2). نظریه یادگیری اجتماعی نشان می‌دهد که افراد تکنیک‌ها و نگرش‌های مربوط به رفتارهای پرخطر را از طریق روابط نزدیک و صمیمی با همسالان بزهکار یاد می‌گیرند. در نتیجه جرم یک رفتار آموختنی است (Siegel, 2012: 236-237).

در دیدگاه باندورا یادگیری مشاهده‌ای طی چهار مرحله صورت می‌گیرد: (۱) توجه: یادگیرنده رفتارها یا کنش‌های شخص دیگر را مشاهده می‌کند. (۲) نگهداری: یادگیرنده از طریق فرآیند به خاطر سپردن رفتارها یا کنش‌ها، یاد می‌گیرند. (۳) بازتولید: یادگیرنده این فرصت را دارد رفتارهایی که قبلاً مشاهده کرده دوباره تکرار کند و (۴) انگیزه: یادگیرنده پس از طی تمام مراحل قبلی به‌نوعی تقویت‌کننده دریافت می‌کنند که به آن‌ها انگیزه می‌دهد تا دوباره رفتارها را انجام دهند. در طی این مراحل، فرد با اظهار اعمال منحرفانه و تقویت آن‌ها، بزهکار می‌شود و به ارتکاب اعمال انحرافی بعدی خود ادامه خواهد داد (Alshammari, 2017: 38).

نظریه یادگیری اجتماعی از نظریه پیوند ارتباطی ساترلند و تلاش چند رشته‌ای توسط رابرت برگس و رونالد آکرز در سال ۱۹۶۶ گرفته شده است. ایده اصلی نظریه یادگیری اجتماعی این است؛ افراد هنگامی که در موقعیت تعاملی با مجرمان و با کسانی که درگیر جرم و جنایت هستند، قرار می‌گیرند و از رفتارهای بزهکارانه آن‌ها حمایت می‌کنند، بیشتر در معرض تجربه رفتارهای پرخطر قرار می‌گیرند، بنابراین در این دیدگاه یادگیری نقش اساسی در توسعه رفتارهای بزهکارانه دارد. طبق تئوری پیوند افتراقی، مهم‌ترین زمینه‌ها برای یادگیری رفتارهای بزهکارانه، گروه‌های همسالان و سازمان خانوادگی است و در

مراتب بعدی مدارس، همسایگان و رسانه‌ها ممکن است زمینه‌یادگیری برخی از رفتارهای پرخطر را موجب شوند. دو جنبه اساسی در پیوند افتراقی وجود دارد، یعنی ابعاد رفتاری و هنجاری. بعد رفتاری؛ به تعامل و ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با افراد وابسته به فعالیت‌های بزهکارانه مربوط می‌شود و بعد هنجاری به ارزش‌هایی مربوط است که فرد در نتیجه عضویت در انجمن‌ها و تعامل با دیگران در معرض آن قرار می‌گیرد (Jeffrey & Brown, 2015: 409-410).

در دیدگاه ساترلند رفتار انحرافی موروثی و در ذات افراد وجود ندارد، بلکه مانند هر رفتار دیگری و به همان سیاق در متن اجتماع یاد گرفته می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۲: ۹۱). ساترلند معتقد است که پیوند افتراقی، چگونگی یادگیری رفتارهای انحرافی را در جامعه تبیین می‌کند. تمرکز این نظریه بر روی رفتارهای افراد قرار دارد. فرایند نظریه پیوند افتراقی شامل موارد زیر است:

- ۱- کج رفتاری یادگرفتنی است.
- ۲- کج رفتاری در تعامل با دیگران و در فرایند ارتباط آموخته می‌شود.
- ۳- بخش اصلی یادگیری کج رفتاری در درون گروه‌های شخصی و صمیمی رخ می‌دهد.
- ۴- فرد به علت وجود تعاریف بیش از حد دلایل نقض قانون نسبت به تعاریف نامطلوب در برابر نقض قانون، بزهکار می‌شود.
- ۵- جهت خاص انگیزه‌ها و گرایش‌ها از تعاریف قوانین حقوقی مطلوب یا نامطلوب آموخته می‌شود.
- ۶- پیوندهای افتراقی ممکن است از نظر فراوانی، مدت، اولویت و شدت متفاوت باشند.
- ۷- یادگیری بزهکاری مربوط به آموختن فنون ارتکاب جرم در جهت علائق، انگیزه‌ها و گرایش‌ها می‌شود.

۸- فرایند یادگیری رفتار کجروانه بر اساس ارتباط با شیوه‌های کجرفتاری و سازگاری، شامل کلیه مکانیسم‌هایی است که در یادگیری نقش اساسی دارند.

۹- گرچه رفتار مجرمانه بیانگر نیازها و ارزش‌های عمومی است، اما توسط این نیازها و ارزش‌های عمومی تبیین نمی‌گردد، زیرا رفتارهای غیر مجرمانه عبارت از همان نیازها و ارزش‌ها هستند (Jeffrey & Brown, 2015).

مراحل یادگیری رفتارهای مجرمانه در دیدگاه ساترلند شامل یادگیری شیوه‌های تبهکاری، دلایل و گرایش‌ها افراد را در برمی‌گیرد. بر این اساس یک فرد بزهکار، هم راه‌های دزدی موفقیت‌آمیز را یاد می‌گیرد و هم این که استدلال‌هایی بکار می‌گیرد تا سرقت‌هایش را توجیه کند (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۵۲). در دیدگاه ساترلند، انحراف افراد به علت بیشتر بودن تعداد تماس‌های انحرافی در بین آن‌ها نسبت به پیوندهای غیر مجرمانه است. بر مبنای نظریه ساترلند، رفتار انحرافی مانند دیگر رفتارهای اجتماعی و در تعاملات روزمره با افراد دیگر یاد گرفته می‌شود، از آنجایی که افراد در دوران زندگی با ارزش‌ها و هنجارهایی مواجه شده و آن‌ها را یاد گرفته و درونی می‌کنند، اما نکته مهم این است که آن‌ها را از چه کسی می‌آموزند. نظریه یادگیری اجتماعی استدلال می‌کند که عوامل اجتماعی و فرهنگی بر توانایی‌های تصمیم‌گیری فرد تأثیر می‌گذارد. این تئوری بیان می‌کند که مردم رفتارهای انحرافی خود را از محیط اجتماعی خود می‌آموزند (Akers & Jensen, 2006).

بر مبنای دیدگاه این مکتب و اندیشمندان این حوزه در تبیین رفتارهای پرخطر به خاطر تعامل و تبادل تجربه و یادگیری که در رابطه با این نهادها صورت می‌گیرد، بنابراین در صورت ناکارآمدی نهادهای گوناگون اجتماعی، زمینه‌های آسیب‌پذیری شهروندان را فراهم می‌نمایند، این وضعیت هنگامی که با کاهش انسجام و نظم سنتی حاکم بر جوامع به دلایل رشد سریع شهرنشینی، صنعتی شدن، مهاجرت گسترده و بی‌رویه به سوی شهرها همراه گردد، باعث ایجاد و افزایش جرائمی مانند: خشونت، افزایش رفتارهای ضد اجتماعی، روابط جنسی محافظت نشده، مصرف مواد مخدر و غیره می‌گردد.

چارچوب نظری پژوهش

با توجه به گستردگی رفتارهای پرخطر که مصادیق فراوانی مانند (سیگار، قلیان، مشروبات الکلی، مواد مخدر، افکار خودکشی، رفتار پرخطر جنسی، رانندگی پرخطر، خشونت، عادات غذایی و عدم تحرک بدنی) را شامل می‌شود، نظریه‌هایی مانند بی‌سازمانی اجتماعی، کنترل اجتماعی و نظریه یادگیری اجتماعی برای تبیین رفتارهای پرخطر قابل‌استفاده است. در این پژوهش نظریه یادگیری اجتماعی به‌عنوان چارچوب نظری انتخاب گردیده است.

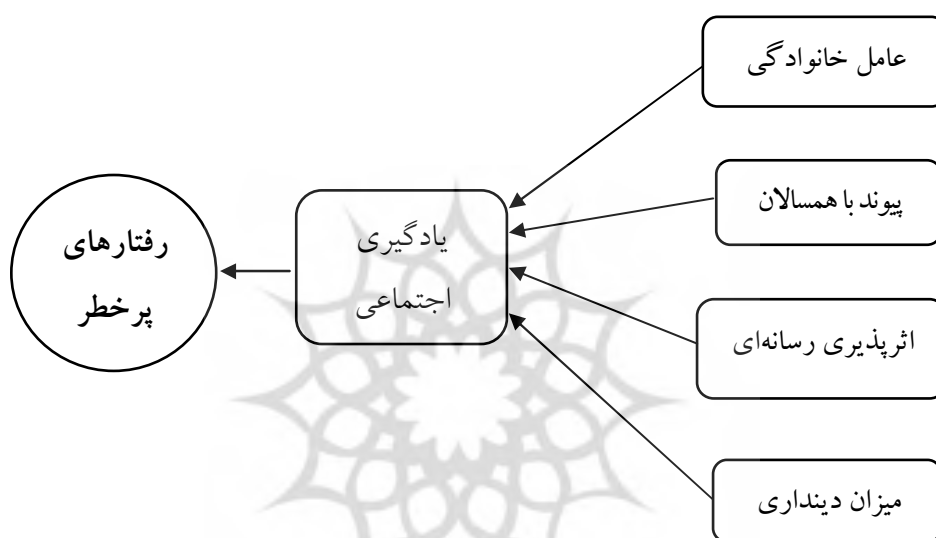
بر اساس رویکرد یادگیری اجتماعی، عوامل فردی، خانوادگی، محیطی و اجتماعی مانند کژکارکردی نهادها، ورود افراد به جمع‌های بزهکارانه دوستانه، تضعیف جایگاه خانواده، اثرات منفی رسانه و فضای مجازی، به‌هم‌ریختگی در نظام باورها و تزلزل در باورهای دینی زمینه‌ساز گرایش به رفتارهای پرخطر فراهم می‌نمایند. بنابراین رفتارهای پرخطر بر اساس یادگیری در محیط‌های مختلف و در پیوند با گروه‌های دوستانه و در نتیجه به‌هم‌ریختگی نظام شخصیتی فرد و کاهش کارایی هر یک از نهادها و عوامل جامعه‌پذیری و تزلزل در نهادها و ساختارهای جامعه قابل تبیین است.

فرضیات پژوهش

- بین عامل خانوادگی و میزان گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- بین پیوند با همسالان و میزان گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- بین اثرپذیری رسانه‌ای و میزان گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- بین میزان دینداری و میزان گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

مدل تحلیلی پژوهش

بر اساس مباحث مطرح شده در بخش‌های پیشینه تحقیق و مبانی نظری، مدل تحلیلی پژوهش طراحی گردیده است. در این مدل متغیرهای زمینه‌ای و اصلی پژوهش از طریق مکانیسم یادگیری اجتماعی رفتارهای پرخطر شهروندان کاشانی را تبیین می‌نمایند.



شکل ۱- مدل تحلیلی تحقیق

روش شناسی

این پژوهش به روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام شده است. شهروندان شهر کاشان اعم از زن و مرد که بر اساس آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد آن‌ها ۳۰۴۴۸۷ نفر می‌باشد، جامعه آماری پژوهش را تشکیل داده‌اند، که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری تعیین گردید، جهت تعمیم بیشتر یافته‌ها ۶۰۰ پرسشنامه به روش نمونه‌گیری احتمالی متناسب با اندازه^۱ (حجم) در محلات مختلف شهر کاشان بین افراد ۱۵

1. Probability Proportionate to Size

تا ۴۵ ساله دارای رفتارهای پرخطر، افراد عادی و همچنین قشرهایی که پابندی بالایی به هنجارها و قواعد جامعه داشتند، توزیع گردید و در نهایت تعداد ۵۵۲ پرسشنامه که بدون نقص تکمیل شده بودند وارد نرم‌افزار گردید.

پرسشنامه مربوط به دین‌داری، بر مبنای مطالعات گلاک و استارک (۱۹۶۵)، پرسشنامه زمینه خانوادگی و همسالان، از مقیاس دلبستگی به والدین و همسالان آرمسدن و گرینبرگ (IPPA)، متغیر اثرپذیری رسانه‌ای بر مبنای پرسشنامه محقق ساخته و رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس مطالعه ملی پیمایش رفتارهای پرخطر جوانان آمریکایی (YRBS^۱) در سال ۲۰۱۹ بوده، که بر اساس فرهنگ و ساختار جامعه مورد مطالعه، تعدیل و بومی‌سازی گردید. اعتبار پرسشنامه بر اساس دیدگاه استاد راهنما و برای ارزیابی پایایی، از تکنیک آلفای کرونباخ^۲ استفاده گردید که آلفای محاسبه شده، ۰/۷۷۵ و در حد مطلوب و مورد نظر می‌باشد. بعد از استخراج داده‌های جمع‌آوری شده، نتایج بر اساس سطح سنجش و تحلیل‌های مورد نیاز با کمک نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردیدند. در ادامه برای تحلیل استنباطی، سنجش و آزمون ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته از روش‌های آماری آزمون همبستگی پیرسون و آزمون T مقایسه زوجی استفاده گردید.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

رفتارهای پرخطر: شامل رفتارهایی است که پیامدهای نامطلوب اجتماعی و احتمال آسیب یا خطراتی در ارتباط با سلامت، بهزیستی و رفاه افراد به همراه دارد (ریتچر، ۲۰۱۰: ۲۶). رفتارهای پرخطر در این پژوهش شامل استفاده از سیگار، قلیان، مشروبات الکلی، مواد مخدر، خودکشی و افکار خودکشی، رفتار پرخطر جنسی، رانندگی پرخطر، رفتارهای ضداجتماعی (خشونت، سرقت و غیره)، عادات غذایی ناسالم و عدم تحرک بدنی می‌شود. جهت سنجش متغیر وابسته رفتارهای پرخطر، از مقیاس مطالعه ملی پیمایش رفتارهای

1. National Youth Risk Behavior Survey
2. Cronbachs Alpha

پرخاطر جوانان آمریکایی در سال ۲۰۱۹، پس از بومی‌سازی بر اساس ویژگی‌های فرهنگی جامعه مورد مطالعه، در قالب ۴۵ گویه در سطح سنجش رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت استفاده گردید.

عامل خانوادگی: نقش خانواده در بروز رفتارهای پرخاطر اساسی است. یکی از راه‌های یادگیری رفتارهای پرخاطر از طریق مشاهده و تقلید رفتار والدین است. چنانچه نقش خانواده حمایتی، ارشادی و صمیمی با فرزندان باشد، آن‌ها کمتر به سمت رفتارهای پرخاطر کشیده می‌شوند. همین‌طور، ساختار خانواده، کیفیت رابطه بین فرزندان و والدین و اختلافات خانوادگی با بروز رفتارهای پرخاطر در ارتباط است. جهت سنجش متغیر زمینه خانوادگی، از مقیاس دلبستگی به والدین آرمسدن و گرینبرگ (IPPA) در سطح سنجش رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

پیوند با همسالان: به سطح تعاملات و تأثیرپذیری از گروه‌های دوستانه‌ای که رفتار بزهکارانه دارند اشاره دارد و نتیجه این پیوند و تعامل مشغولیت در رفتارهای پرخاطر می‌باشد. جهت سنجش متغیر پیوند با همسالان از پرسشنامه و مقیاس علاقه‌مندی (دلبستگی) به والدین و همسالان (IPPA) و مقیاس پاسکال و همکاران (۲۰۰۳)، در سطح سنجش رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

اثرپذیری رسانه‌ای: رسانه‌ها نقش اساسی در تشویق افراد به ارتکاب جرم دارند، زیرا رسانه، هنجارهای فرهنگی برای رفتارها را نهادینه می‌نماید (توبین، ۲۰۱۶: ۱۸-۱۷). جهت سنجش متغیر اثرپذیری رسانه‌ای، گویه‌های محقق ساخته در سطح سنجش رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

دینداری: دینداری به معنی عامل بودن سوژه به امورات معنوی به گونه‌ای که تأثیرات قابل توجهی از نظر کنشی، گرایشی و نگرشی در افراد پدیدار گردد (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۶). گلاک و استارک ابعاد و ویژگی‌های مربوط با دینداری را در پنج بعد اعتقادی، مناسکی، عاطفی، فکری و پیامدی دسته‌بندی کرده‌اند (گلاک و استارک، ۱۹۶۵). جهت سنجش متغیر میزان دینداری، بر مبنای مطالعات گرفته شده از گلاک و استارک (۱۹۶۵) و در سطح سنجش رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

از ضریب همبستگی پیرسون برای سنجش رابطه بین متغیرهای مستقل با بروز رفتارهای پرخطر استفاده شده است.

جدول ۱- آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و رفتارهای پرخطر

نتیجه آزمون مربوط به هر کدام از متغیرها		متغیرهای مستقل
سطح معنی داری	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	۰/۳۲۸	عامل خانوادگی
۰/۰۰۰	۰/۵۳۶	پیوند با همسالان
۰/۰۰۰	۰/۳۰۲	اثرپذیری رسانه‌ای
۰/۰۰۰	- ۰/۳۹۶	میزان دینداری

آزمون آماری متغیر خانواده نشان می‌دهد که $r=0/328$ و همچنین سطح معنی داری آزمون کمتر از $0/05$ شده است $sig=0/000$ پس فرض ما (H_1) در سطح $0/95$ اطمینان تأیید می‌شود. یعنی بین عامل خانوادگی و شیوع رفتارهای پرخطر رابطه وجود داشته است. بدین معنی که هرچه میزان زمینه‌ی سازمانی خانوادگی در بین جامعه مورد مطالعه بیشتر باشد، میزان رفتارهای پرخطر نیز افزایش می‌یابد.

در خصوص متغیر پیوند با همسالان با توجه به مقدار $r=0/536$ و همچنین سطح معنی داری آزمون که کمتر از $0/05$ شده است، بنابراین $sig=0/000$ پس فرض ما (H_1) در سطح $0/95$ اطمینان تأیید می‌شود. یعنی بین پیوند با همسالان و شیوع رفتارهای پرخطر رابطه وجود داشته است. نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم می‌باشد، بدین معنی که هرچه میزان پیوند با دوستان بزهکار افزایش یابد، میزان رفتارهای پرخطر نیز افزایش می‌یابد.

مقدار همبستگی عامل جامعه‌پذیری بر مبنای اثرپذیری رسانه‌ای $r=0/302$ و همچنین سطح معنی داری آزمون کمتر از $0/05$ شده است $sig=0/000$ پس فرض ما (H_1) در سطح

۰/۹۵ اطمینان تأیید می‌شود. یعنی بین اثرپذیری رسانه‌ای و شیوع رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد. نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم می‌باشد، بدین معنی که هرچه در جامعه مورد مطالعه، شهروندان بیشتر تحت تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی باشند، میزان رفتارهای پرخطر نیز افزایش می‌یابد.

آزمون آماری متغیر میزان دینداری نشان می‌دهد که $r = -0/396$ و همچنین سطح معنی‌داری آزمون کمتر از ۰/۰۵ شده است $\text{sig} = 0/000$ پس فرض ما (H_1) در سطح ۰/۹۵ اطمینان تأیید می‌شود. بنابراین بین میزان دینداری و شیوع رفتارهای پرخطر رابطه وجود داشته است. نوع رابطه نیز منفی و معکوس می‌باشد، بدین معنی که هرچه دینداری شهروندان در ابعاد مناسکی، اعتقادی و پیامدی افزایش یابد، میزان گرایش به رفتارهای پرخطر نیز کاهش می‌یابد.

رگرسیون چند متغیره

در مقاله حاضر به منظور پی بردن به روابط بین متغیرها از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. کاربرد رگرسیون چند متغیره این است که به تبیین واریانس متغیر وابسته کمک می‌نماید.

جدول ۲- آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره

ضریب تعیین تصحیح شده = ۰/۳۸۳	$R^2 = 0/393$ ضریب تعیین
اشتباه معیار = ۱۰/۷۱۷۸۷	ضریب همبستگی چندگانه = ۰/۶۲۷

با توجه به مقادیر جدول بالا مقدار R^2 معادل ۰/۳۹۳ درصد بوده به این معنی که متغیرهای مستقل به میزان ۳۹ درصد واریانس متغیر وابسته ما را تبیین نموده‌اند.

جدول ۳- تحلیل واریانس برای آزمون معنی‌داری رگرسیون

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	کمیت F	سطح معناداری
اثر رگرسیونی	۲۷۸۹۱/۲۹۸	۶	۴۶۴۸/۵۵۰	۴۰/۴۶۷	۰/۰۰۰
باقی مانده	۴۳۰۷۷/۲۳۹	۳۷۵	۱۱۴/۸۷۳		

با توجه به مقادیر جدول بالا معادله کلی رگرسیون تأیید گردیده و مقدار F از نظر آماری، معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۴- آماره‌های مربوط به متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون

متغیرهای مستقل	ضریب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد	T	سطح معنی‌داری
	B ضریب	خطای استاندارد			
constant	۸۹۳,۵۶	۴,۹۳۴		۱۱,۵۳۰	۰۰۰,
عامل خانوادگی	۰,۲۲۳	۰,۰۷۷,	۰,۱۳۶	۲,۹۱۵	۰,۰۰۴
پیوند با همسالان	۰,۵۸۲	۰,۰۷۰,	۰,۴۱۷,	۸,۲۸۳	۰,۰۰۰
اثرپذیری رسانه‌ای	-۰,۰۲۰	۰,۱۶۰,	-۰,۰۰۶	-۰,۱۲۳	۰,۹۰۲
میزان دینداری	۰,۲۴۲	۰,۰۴۲,	۰,۲۶۰,	۵,۷۷۷	۰۰۰,

بر اساس جدول بالا مشخص گردید متغیرهای پیوند با همسالان، میزان دینداری و عامل خانوادگی به ترتیب بیشترین تأثیر در متغیر وابسته ما یعنی رفتارهای پرخطر داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

جامعه‌پذیری فراگردی است که به واسطه آن، هر فرد، دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی در طول مراحل زندگی کسب می‌نماید. فرایند جامعه‌پذیری که نوعی انتقال فرهنگی محسوب می‌شود، توسط عاملان و نهادهایی مانند خانواده، رسانه، همسالان، نهاد دین و غیره به صورت رسمی و غیررسمی انجام می‌گیرد. به خاطر نارسایی و عدم تعادل‌هایی که در بخش‌های ساختاری و عاملیتی بر

یک جامعه حاکم می‌شود، همواره با کژکاردهایی در خصوص کارکردهای این نهادهای جامعه‌پذیر کننده مواجه می‌شویم که در این پژوهش، بحث آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر مورد کنکاش علمی قرار گرفته است.

همبستگی بین متغیر پیوند با همسالان و رفتارهای پرخطر نیز معنادار، مثبت و مستقیم می‌باشد، بدین معنی که هرچه افراد تمایل به دوستان دارای رفتار بزهکارانه، بیشتر داشته باشند، میزان رفتارهای پرخطر نیز افزایش می‌یابد. تائید این فرضیه با نتایج پژوهش‌های خارجی داسپی و همکاران (۲۰۱۸)، وزینا و همکاران (۲۰۱۵)، جائو و همکاران (۲۰۱۳)، لسلی و همکاران (۲۰۱۰)، انیل (۲۰۰۷)، رافائل و گرین (۲۰۰۵) و استیونس و گریفین (۲۰۰۱) و پژوهش‌های داخلی سعادت (۱۳۹۹)، بخشش بروجنی و همکاران (۱۳۹۸)، نیازی و سلیمان نژاد (۱۳۹۷) و محمودی (۱۳۹۵) که در بخش پیشینه تجربی به آن‌ها اشاره گردید، هم‌راستا و منطبق می‌باشد.

همچنین نظریه هیرشی، ساترلند و باندورا مؤید این مطلب است که افزایش تعاملات با دوستان بزهکار، میزان گرایش به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی را تشدید می‌نماید. چون افراد نقطه شروع و یا تجربه انجام رفتارهای پرخطر را بر اساس پیشنهاد دوستان خود عملی می‌نمایند. همبستگی بین متغیر اثرپذیری رسانه‌ای با رفتارهای پرخطر معنادار، مثبت و مستقیم می‌باشد، بدین معنی که هرچه اثرپذیری رسانه‌ای افزایش یابد، میزان رفتارهای پرخطر نیز افزایش می‌یابد. در عصر جدید که مبنای الگوهای رفتاری افراد از خانواده و گروه‌های فامیلی منفک گردیده است، مجموعه‌ای از عناصر نوظهور از جمله رسانه‌ها، خط و مشی حاکم بر رفتار گروه‌های مختلف اجتماعی ترسیم می‌نمایند.

بنابراین در جامعه مورد مطالعه ما شاهد این هستیم که رفتارهای پرخطر بر مبنای اثرپذیری از فضای رسانه‌ای و مجازی شیوع یافته است. تائید این فرضیه با نتایج پژوهش‌های داخلی سعادت (۱۳۹۹)، نیازی و سلیمان نژاد (۱۳۹۷) و محمودی (۱۳۹۵) که در بخش پیشینه تجربی به آن‌ها اشاره گردید، هم‌راستا و منطبق می‌باشد. همچنین نظریه ساترلند و بی‌سازمانی اجتماعی، مؤید این مطلب است که رسانه‌ها در جهت‌دهی و تبلیغ،

گرایش به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی نقش اساسی دارند. چون افراد بر اثر تبلیغات فضای مجازی و نقش الگویی که افراد معروف و پرمخاطب در این بستر که عامل و مروج رفتارهای پرخطر هستند، جذب آن‌ها می‌شوند.

بر اساس دیگر یافته‌های پژوهش، همبستگی بین عامل خانوادگی و رفتارهای پرخطر معنادار، مثبت و مستقیم بوده است. محیط خانواده و فضای تعاملاتی و گفت‌وگویی حاکم بر آن در تکوین شخصیت و لایه‌های درونی هویت که عقاید و باورها هستند، نقش اساسی دارند. از این رو شکل‌گیری سازمان خانوادگی در یک بستر متعادل در همه جنبه‌های عاطفی، معیشتی، زیستی، اخلاقی، رفتاری، تعاملات درونی و بیرونی و غیره نقش اساسی در ساختن یک اجتماع موفق خواهد داشت. بر اساس یافته‌ها، عمل به انجام وظایف و تکالیف به‌خصوص از طرف والدین و انتقال این نوع از احساس مسئولیت به فرزندان در سامان دادن به خانواده اساسی است. تائید این فرضیه با نتایج پژوهش‌های خارجی داسپی و همکاران (۲۰۱۸)، وزینا و همکاران (۲۰۱۵)، جائو و همکاران (۲۰۱۳)، انیل (۲۰۰۷) و استیونس و گریفین (۲۰۰۱) و پژوهش‌های داخلی سعادت (۱۳۹۹)، محمودی (۱۳۹۵)، نیازی و سلیمان نژاد (۱۳۹۷)، آتش نفس و همکاران (۱۳۹۳) و رحمتی نجار کلائی و همکاران (۱۳۹۰) که در بخش پیشینه تجربی به آن‌ها اشاره گردید، هم‌راستا و منطبق می‌باشد.

بر مبنای نظریه باندورا، ساترلند و نظریه محیطی - اجتماعی در صورت نابسامانی در نهاد خانواده، میزان گرایش به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. با کاهش سطح کیفیت مناسباتی خانوادگی، ضعف روابط بین فرزندان و والدین و وجود رفتار پرخطر در بین اعضای خانواده، زمینه افزایش گرایش به رفتارهای پرخطر تشدید می‌گردد. بر اساس یافته‌های پژوهش همبستگی بین متغیر میزان دینداری و رفتارهای پرخطر نیز منفی و معنادار بوده است، بدین معنی که هرچه میزان دینداری در بین افراد افزایش یابد، میزان گرایش به رفتارهای پرخطر نیز کاهش می‌یابد. بنابراین گسترش اخلاق عملی و عامل بودن به اصول انسانی و اخلاقی نقش اساسی در کاهش رفتارهای پرخطر دارد. زمانی که افراد احساس هویت دینی منسجم و مستحکمی داشته باشند، زندگی آن‌ها هدفمند و

معنادار بوده و از سازمان‌یافتگی برخوردار می‌گردد. تائید این فرضیه با نتایج پژوهش‌های خارجی آگباریا و همکاران (۲۰۱۷) و پژوهش‌های داخلی سعادت‌ی (۱۳۹۹) و محمودی (۱۳۹۵) که در بخش پیشینه تجربی به آن‌ها اشاره گردید، هم‌راستا و منطبق می‌باشد. گسترش اخلاق عملی و عامل بودن به اصول انسانی و اخلاقی نقش اساسی در کاهش رفتارهای پرخطر دارد. زمانی که افراد احساس هویت دینی منسجم و مستحکمی داشته باشند، زندگی آن‌ها هدفمند و معنادار بوده و از سازمان‌یافتگی برخوردار می‌گردد.

همچنین نتایج رگرسیون چند متغیره برای متغیرهای مستقل و وابسته این تحقیق حاکی از این بوده است که متغیرهای پیوند با همسالان، دینداری و عامل خانوادگی به ترتیب بیشترین تأثیر در متغیر وابسته ما یعنی رفتارهای پرخطر داشته‌اند و این متغیرها در مجموع ۳۳ درصد از تغییرات متغیر رفتارهای پرخطر را تبیین کرده‌اند. دیدگاه‌های نظریه یادگیری اجتماعی بخصوص نظریات همنشینی افتراقی ساترلند یادگیری رفتارهای انحرافی و پرخطر را به تفاوت در همنشینی‌ها ربط می‌دهد. افراد از طریق همنشینی و تعامل با افراد دارای رفتارهای پرخطر، هنجارها و رفتارهای بزهکارانه را می‌آموزند و این رفتارها بر مبنای رویکرد یادگیری اجتماعی در افراد درونی می‌گردند. همچنین نابسامانی در نهاد خانواده، ضعف روابط بین فرزندان و والدین، افزایش تعاملات با دوستان بزهکار، تحت تأثیر جهت‌دهی و تبلیغ رسانه‌ها قرار گرفتن و کاهش پایبندی دینی، میزان گرایش به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی را تشدید می‌نماید.

بنابراین افراد زمانی به سمت رفتارهای پرخطر متمایل می‌شوند که جامعه از حالت تعادل خارج گشته و به‌نوعی عدم تعادل در خرده نظام‌های آن نمودار گردد. در نتیجه هم‌زمان با کاهش کارکرد و نقش‌آفرینی خانواده و سایر عاملان اصلی جامعه‌پذیری، جامعه شاهد گسترش رفتارهای پرخطر و بازتولید آن در نسل‌های بعدی خواهد بود. یعنی اگر روند تحولات اجتماعی به همین الگو ادامه داشته باشد، قطعاً علاوه بر مشاهده بیشتر رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان و جوانان، شاهد رفتارهای پرخطر نوظهور و جدیدتری در عرصه اجتماع در آینده خواهیم بود.

عواملان جامعه‌پذیری و گرایش به رفتارهای پرخطر...، نیازی و همکاران | ۹۱

بین عامل خانوادگی و میزان گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد. (باندورا)
بین پیوند با همسالان و میزان گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد. (پیوند افتراقی)
بین اثرپذیری رسانه‌ای و میزان گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد. (نظریه ساترلند)

بین میزان دینداری و میزان گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد. (یادگیری اجتماعی)

پیشنهادها

به نظر می‌رسد راه کاهش رفتارهای پرخطر، سامان دادن به جامعه در همه بخش‌ها و آموزش اخلاقیات از طریق عواملان جامعه‌پذیری مانند خانواده‌ها، مساجد، مدارس، رسانه‌ها و غیره به افراد می‌باشد که جهت تحقق این امر مهم استفاده از نظرات کارشناسان، متخصصان و مددکاران اجتماعی در برنامه‌ریزی و تدوین محتوا و اجرا، اساسی می‌باشد.

از آنجایی که پایبندی به اصول اخلاقی و دینی و همچنین تقویت لایه‌های درونی عقاید و باورها یکی از مهم‌ترین عوامل مصونیت بخش افراد، در مقابل گرایش به آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر می‌باشد، بنابراین تلاش و توجه مضاعف والدین در جهت تقویت هنجارهای مذهبی و دینی برای فرزندان پیشنهاد می‌گردد.

همچنین بر مبنای یافته‌های پژوهش، حضور مؤثر مددکاران اجتماعی در کنار همه عواملان جامعه‌پذیری به منظور ارائه راهنمایی، مداخله و تسهیل‌گری و برنامه‌ریزی به منظور ساماندهی و کاهش رفتارهای پرخطر پیشنهاد می‌گردد.

در پایان با توجه به حساسیت سنی دوره نوجوانی که دانش آموزان در مدارس حضور دارند و با توجه به زمینه برقراری ارتباط بین همسالان دارای رفتارهای پرخطر در محیط مدارس، بنابراین ضرورت استخدام و به کارگیری مددکاران اجتماعی در مدارس به منظور ایفای نقش مؤثر در کنار سایر عوامل مدرسه پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران، انتشارات سمت.
- آتش نفس، الهه؛ قربانی، راهب؛ طباطبایی، سیدموسی؛ عبدوس، حسین؛ عباس پور، سمیه و محمودیان علیرضا. (۱۳۹۳)، «رفتارهای پرخطر شایع و عوامل خانوادگی مؤثر بر آن از دیدگاه نوجوانان: یک پژوهش کیفی»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال دهم، شماره ۳۸: ۲۱۷-۲۳۳.
- بخشی بروجنی، میکائیل؛ هاشمی، تورج و فرج پور نیری، سپیده. (۱۳۹۸)، «پیش‌بینی رفتارهای پرخطر بر اساس همنشینی با همسالان بزهکار، افسردگی و حل مسئله»، فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد، سال سیزدهم، شماره ۵۳: ۲۳۵-۲۵۲.
- پرویزی، سرور و احمدی، فضل‌اله. (۱۳۸۵)، «گروه همسالان و سلامت نوجوان: یک پژوهش کیفی»، فصلنامه فیض، سال دهم، شماره ۴: ۴۶-۵۱.
- جعفری، قاسم. (۱۳۸۹)، «مطالعه جامعه‌شناختی سهم عوامل ساختاری و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان در شهر تبریز (مطالعه موردی مناطق حاشیه‌نشین)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- حسینی نثار، معجد، فیوضات، ابراهیم. (۱۳۹۰)، *نظریه‌های انحرافات اجتماعی*، تهران: نشر پژوه. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رایینگتن، ارل؛ واینبرگ، مارتین. (۱۳۹۱)، *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه: رحمت‌اله صدیق سروستانی، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- رحمتی نجار کلائی، فاطمه؛ نیکنامی، شمس‌الدین؛ امین شکروی، فرخنده؛ فرمانبر، ربیع‌اله؛ احمدی، فضل‌اله و جعفری محمدرضا. (۱۳۹۰)، «خانواده و نقش آن در بروز رفتارهای پرخطر ایدز: یک مطالعه کیفی»، مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان، سال بیستم، شماره ۷۷: ۶۹-۸۰.

عاملان جامعه‌پذیری و گرایش به رفتارهای پرخطر...، نیازی و همکاران | ۹۳

- رشید، خسرو. (۱۳۹۴)، «رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان نوجوان دختر و پسر شهر تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پانزدهم، شماره ۵۷: ۳۱-۵۶.

- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۰)، توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- زاده محمدی، علی و احمدآبادی، زهره. (۱۳۸۸)، «بررسی رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان، راهکارهایی برای پیشگیری از جرم در محیط خانواده»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال پنجم، شماره ۲۰: ۴۸۵-۴۶۷.

- سعادت‌تی، موسی. (۱۳۹۶)، «مطالعه جامعه‌شناختی نقش فرایند اجتماعی در تبیین رفتارهای پرخطر»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۲، ۱۰۹-۱۳۴.

- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال ششم، شماره ۱: ۳۴-۶۶.

- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: انتشارات سمت.

- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، شرکت سهامی انتشار.

- نیازی، محسن و سلیمان نژاد، محمد. (۱۳۹۶)، «زمینه‌های گرایش به رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان و جوانان شهر کاشان»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶: ۱۶۹-۲۰۳.

- Agbaria, Q., Mahamid, F., & Ziya Berte, D. (2017). Social support, self-control, religiousness and engagement in high risk-behaviors among adolescents. *The International Journal of Indian Psychology*, 4(4), 13-33.
- Akers, R. L, Jensen, G. F. (2006). *The empirical status of social learning theory of crime and deviance: The past, present, and future*. In F. T. Cullen, J. P. Wright, & K. Blevins, R. (Eds.). *Taking Stock: The status of criminological theory* (pp. 37-7. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers.
- Alshammari A. A. (2017). *The Role of Socioeconomic Status, Strain, Parental, and Peer Influence on Delinquency among African-American Youth*: Howard University.

- Brazill-Murray, C. M. (2018). *Adolescent perceptions of addiction: a mixed-methods exploration of Instagram hashtags and adolescent interviews.*
- Crosby, R. A., Santille, J. S., DiClemente, R. J. (2009). *Adolescent Health: Understanding and Preventing Risk Behaviors*, San Francisco: Jossey-Bass.
- Daspe, M. È., Arbel, R., Ramos, M. C., Shapiro, L. A., & Margolin, G. (2018). Deviant peers and adolescent risky behaviors: The protective effect of nonverbal display of parental warmth. *Journal of Research on Adolescence.*
- Gao, Y., Yu, Y., & Ng, T. K. (2013). A study on the moderating effect of family functioning on the relationship between deviant peer affiliation and delinquency among Chinese adolescents. *Advances in Applied Sociology*, 3(03), 178.
- Heimer, K. (1997). Socioeconomic Status, Subcultural Definitions, and Violent Delinquency. *Social Forces*, 75, 3, 799-833.
- Leiber, M.J., Mack, K.Y., & Featherstone, R.A. (2009). Family structure, family processes, economic factors, and delinquency. *Youth Violence and Juvenile Justice*, 7 (2), 79-99.
- Rekker, R., Pardini, D., Keijsers, L., Branje, S., Loeber, R., Meeus, W., & Bammann, K. (2015). *Moving in and out of Poverty: The Within-Individual Association between Socioeconomic Status and Juvenile Delinquency.* Plos One, 10, 11.
- Leslie, L. K., James, S., Monn, A., Kauten, M. C., Zhang, J., Aarons G. (2010). Health-Risk Behaviors in Young Adolescents in the Child Welfare System. *Journal of Adolescent Health*, 47(1), pp: 26-34.
- O'Neill, E. K. (2007). *Differences in Health Risk Behaviors between College Freshmen Living in Special Interest Housing and Traditional Housing*, Dissertation of Doctor of Philosophy in Educational Curriculum and Instruction, Faculty of Virginia Polytechnic Institute and State University.
- Richter, M. (2010). *Risk Behavior in Adolescence Patterns, Determinants and Consequences*, Springer Science & Business Media.
- Sales, J.M., Irwin, J., Charles, E. (2009). Theories of Adolescent Risk Taking: The Biopsychosocial Model, *Journal of public Health*, 36(5), pp: 31-50.
- Siegel, L. J. (2008). *Criminology: Theories, Patterns and Typologies*, Wadsworth Publishing.
- Siegel, L. J. (2012). *Criminology: Theories, Patterns and Typologies*, Wadsworth Publishing.
- Siegel, D. J. (2015). *Brainstorm: The power and purpose of the teenage brain.* New York, NY: Penguin Publishing Group.

- Soller, B., Jackson, A. L., & Browning, C. R. (2014). Legal cynicism and parental appraisals of adolescent violence. *British journal of criminology*, azu027.
- Stark, R., & Glock, C. Y. (1965). The "New Denominationalism". *Review of religious research*, 7(1), 8-17.
- Stevens, P., Griffin, J. (2001). Youth High-Risk Behaviors: Survey and Results, *Journal of Addictions 6 Offender Counseling*, (6), pp: 31-42.
- Tobin, A. N. (2016). *A study of the impact of crime shows on contemporary criminal investigations (Doctoral dissertation, The George Washington University)*.
- Vezina, J., Herbert, m., Poulin, F. (2015). Histoty of family violence childhood behavior problems and adolescent high risk behavior as pridicator of girls repeated pettebs of dating victimization in two developmental periods, *Journal of Violence Against Women*, 21(4), 435-459.

